

تئاتر

روزنامه بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر

شماره نهم

پنج‌شنبه

دهم بهمن ۱۳۸۷

دو اختتامیه متفاوت سهم جشنواره بیست و هفتم

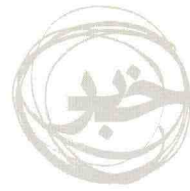
دومین روز سمینار تئاتر

در کشورهای اسلامی برگزار شد

گفت و گو با علیرضا نادری، علی راضی

سمیرا سینایی و آرش عباسی





اهدای بسته‌های فرهنگی

شهرداری به میهمانان خارجی

سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران بسته‌های فرهنگی را به میهمانان خارجی بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر اهدا کرد.

در این بسته‌های فرهنگی که از طرف قائم مقام سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران به میهمانان خارجی اهدا شد، شامل کتاب سیمای تهران و مجموعه موسیقی اصیل ایرانی و ... بود که مورد استقبال میهمانان قرار گرفت.

معرفی برگزیدگان بنیاد

شهید و امور ایثارگران

امروز - پنجشنبه - بنیاد شهید و امور ایثارگران با داوری اردشیر صالح‌پور، رحمت امینی، محمد اسماعیل رضایی، حمید ساروخانی و محمد لارتنی، آثار منتخبان این بخش را در اختتامیه معرفی بهترین‌های تئاتر ایران معرفی خواهند کرد.

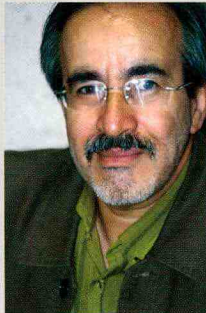
عکاس برای همه صحنه‌ها

در مراسم اختتامیه بهترین‌های تئاتر ایران که امروز در ساعت ۱۸/۳۰ در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر برگزار می‌شود، از ناصر عرفانیان - عکاس پیشکسوت - به همت ستاد برگزاری جشنواره و جمعی از عکاسان عرصه تئاتر تجلیل به عمل خواهد آمد.

فرهنگ، سی‌چهره، تشکر و باقی‌قضا

جشنواره تئاتر امسال در یک اقدام فرهنگی از سی‌چهره تئاتری که در این سال‌ها یار و یاور تئاتر بودند و به قول خود تئاتری‌ها خاک صحنه خورده بودند، قدر دانی کرد اما جشنواره می‌داند، که چهره

های بسیاری هستند که در طول این سال‌ها به تئاتر ایران کمک‌شایانی کرده‌اند. سی‌سال، سی‌چهره، فقط یک بخش نیست، یک یادآوری است به تئاتر امروز ایران و جشنواره لازم می‌داند یادآور شود و توضیح بدهد که ظرفیت تئاتر ایران برای بزرگداشت بیش از اینهاست. کما این که نام بزرگترهایی که سال‌های پیش از آنان تقدیر شده بود در این میان نیامد که فرصت مناسبی برای قدر دانی از نسل جوانتر فراهم آید. جشنواره می‌داند که سی‌چهره خود واقفند که تلاش نسل پیش از آنان کسانی مثل تاجیخ‌فنائیان، سعیدکش فلاح، سیدمهدی شجاعی، محمد کاسبی، مجید مجیدی، داوود دانشور، منصور براهیمی و ... و محمود فرهنگ در پویایی تئاتر امروز ایران چقدر مؤثر بوده‌اند. گفتیم



محمود فرهنگ، برای یادآوری بد نیست بدانید این تئاتری پیشکسوت همدانی که همه تئاتری‌های کشور را باصل و نسب می‌شناسد و تئاتری‌های خیابانی او را به نیکی می‌شناسند، علاوه بر آن که پیشکسوت است و تئاتر ایران تلاش او را در حافظه خواهد داشت! مردی است که در مراسم افتتاحیه تلاش او به ثمر نشست. کارگردان مراسم افتتاحیه علاوه بر حسن اخلاق، حرفه‌ای هم فکر می‌کند... گفتیم که مراسم افتتاحیه، بد نیست از قول جشنواره از همکاری ارتش جمهوری اسلامی و بخصوص مدیریت و پرسنل نمایش این نهاد نظامی و سرهنگ حمزه زاده تشکر کنیم. اگر مخاطب پرو باقرص جشنواره باشید کافی‌نت جشنواره را هم می‌شناسید از قول بچه‌های جشنواره می‌نویسم آقای مصطفی سیدآبادی! از تلاش شما در راه اندازی کافی‌نت ممنونیم... آخ تا یادم نرفته... جشنواره از تمام تماشاگرانی که به نمایش امروز ایران، زندگی هدیه کردند، متشکر است.

خسته نباشید به مدیر پژوهشگر

جشنواره برای خودش مثل یک کشور اداره می‌شود. همه ارکان یک مملکت را دارد. رئیس و دبیر و مدیر و هنرمند و غیره. غیره احتمالاً بچه‌های بولتن هستند!!! که می‌شود از کنارشان

به راحتی گذشت. ما تلاش کردیم که از همه دست‌اندرکاران جشنواره ذکر خیری به میان آید. خیلی‌ها مهربانانه پذیرفتند و خیلی‌ها هم مهربانانه گفتند که خسته‌اند... و انصافاً هم خستگی کار نمی‌گذشت که با هم حرف حساب بنیزیم. دکتر محمد علی خبری مدیر کمیته‌های انتخاب جشنواره از آن دسته مدیرانی است که در هر جشنواره سرش بیش از یک مدیر شلوغ است. علاوه بر این که مدیر یکی از مهمترین بخش‌های تئاتر کشور که هیأت نظارت باشد است! مدیر کمیته‌های انتخاب جشنواره هم هست. دکتر خبری که پژوهشگری شناخته شده در عرصه تئاتر و فرهنگ است، حواسش به این هست که فرصت گفت‌وگو با بولتن را به جوانترها بدهد! دکتر خبری که بخاطر تلاش در عرصه پژوهش فرهنگی از دست رئیس جمهور محترم جایزه‌ای هم دریافت کرده، مدرس دانشگاه هم هست. ما هم حواسمان هست که حسن اخلاق دکتر خبری را یادآور شویم. آقای دکتر خبری شما و همکارانتان هم خسته نباشید!



تئاتر

روزنامه بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر

مدیر مسئول: حسین مسافر آستانه
سر دبیر: جلیل اکبری صحت
دبیر تحریریه: آزاده سهرابی
مدیر هنری: فرشاد آل خمیس دبیر عکس: رضا معطریان
دبیر نقد: ندا انتظامی بخش انگلیسی: علی عامری مهابادی
مدیر داخلی: فرزانه تاری وردی اجرای صفحات: سمیه خمسه
تحریریه این شماره: نوید دهقان، رضا آشفته
انسبه کریمیان، مهدی عزیزی، امید بی نیاز
مژگان بنان و بهمن عبدلهی
عکاسان: فروتن، عرفانیان، موسوی، رستمی، ساسانی
سلیمانزاده، پیامی، اینانلو، حسینی، لطفی زاده
حروف نگار: ابراهیم نجفی ویرایش و نمونه خوانی: داریوش آزاد
بامیاس از: حسین پارسایی، حسین نوروزی
رسول صادقی، جلال تچنگی

تئاتر

روزنامه بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر

شماره نهم، پنجشنبه، دهم بهمن ماه ۱۳۸۷

دو اختتامیه متفاوت سهم جشنواره بیست و هفتم

یاد غزه در اختتامیه جشنواره

مراسم اختتامیه بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر در دو بخش تئاتر ایران و بین‌الملل به صورت جداگانه پنجشنبه و جمعه دهم و یازدهم بهمن ماه در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر و تالار وحدت برگزار می‌شود.

مراسم اختتامیه بخش تئاتر ایران جشنواره بیست و هفتم به کارگردانی کیومرث مرادی پنجشنبه (امروز) ساعت ۱۸:۳۰ در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر برگزار می‌شود.

در این مراسم که با حضور معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس مرکز هنرهای نمایشی و دبیر جشنواره تئاتر فجر برگزار می‌شود، ضمن معرفی برگزیدگان مسابقه عکاسی تئاتر، بخش تئاتر خیابانی جشنواره و برگزیدگان بخش نمایش‌های رادیویی و تلویزیونی جشنواره، از ناصر عرفانیان به خاطر سال‌ها فعالیت در به تصویر کشیدن نمایش‌های اجرا شده و همچنین شهرام گیل آبادی مدیر مرکز هنرهای نمایشی رادیو به جهت تعامل و همکاری در جهت گسترش تئاتر تقدیر به عمل خواهد آمد.

اجرای نمایش «مادری از سرزمین درخت و زیتون» نوشته چپستا یثربی و کارگردانی کیومرث مرادی از بازی الهام پناه و ژاد و همچنین اجرای قطعه موسیقی حماسی توسط آنکیدو دارش و امیر صادقی از دیگر برنامه‌های ویژه این مراسم است. همزمان با اجرای نمایش ذکر شده میثم رسولی هنرمند نقاش کشور به خلق تابلویی نقاشی با موضوع وقایع غزه خواهد پرداخت.

اجرای این مراسم بر عهده علیرضا غفاری خواهد بود و منطق طراحی تابلوهای مراسم اختتامیه بخش تئاتر ایران و نرمین نظمی نیز طراحی لباس بخش نمایشی مراسم را عهده دار هستند. مراسم اختتامیه بخش تئاتر بین‌الملل نیز با برنامه‌هایی متفاوت و با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و مدیران فرهنگی کشور جمعه یازدهم بهمن ماه ساعت ۱۸:۳۰ در تالار وحدت برگزار می‌شود. این مراسم با کارگردانی محمد حیدری و اجرای حسن سلطانی در مدت زمان ۱۰۰ دقیقه برگزار خواهد شد. سخنرانی دکتر محمدحسین صفارهرندی وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی، اجرای نمایشی با موضوع غزه نوشته حمیدرضا آذرنگ و بازی پانته آبهرام و همچنین اجرای نمایشی با موضوع انقلاب اسلامی از جمله برنامه‌های ویژه این مراسم است. محمد حیدری کارگردانی این دو اثر نمایشی را بر عهده دارد.

بخش وله‌های یادمان هنرمندان از دست رفته عرصه نمایش در سال ۸۷، پخش وله‌های ۳۰ چهره فعال در عرصه نمایش که مورد تقدیر قرار می‌گیرند و همچنین پخش وله‌های ۴ هنرمند عرصه تئاتر که در این مراسم مورد تجلیل قرار خواهند گرفت از جمله برنامه‌های در نظر گرفته شده در مراسم اختتامیه بخش تئاتر بین‌الملل است.

بخش پایانی این مراسم نیز به معرفی بهترین‌های بخش بین‌الملل بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر اختصاص دارد. همچنین کلیه هنرمندان خارجی و تهیه‌کنندگان و مدیران بین‌المللی تئاتر در این مراسم حضور خواهند داشت.

تأخیر و تغییر به وسعت ۱۵ دقیقه

به دلیل آغاز اختتامیه معرفی بهترین‌های تئاتر ایران که در ساعت ۱۸:۳۰ برگزار می‌شود، در بخش نمایش‌های رادیویی شاهد تغییر در اجرای نمایش رادیویی «تیغ کهنه» از ساعت ۱۸ به ۱۷/۴۵ هستیم. همچنین نمایش رادیویی «شب تنها» در ساعت ۱۸/۱۵ اجرا می‌شود.

آنچه دیروز گذشت

نهم بهمن ماه هم سپرسی شد یعنی هشتمین روز از جشنواره بیست و هفتم تئاتر فجر گذشت. ۱۴ نمایش صحنه‌ای، ۹ نمایش خیابانی، یک نمایشنامه خوانی، دو رادیو تئاتر و یک نشست پژوهشی حاصل برنامه‌ریزی ستاد برگزاری جشنواره در روزی که گذشت، بود. تالار وحدت، تالار اصلی، تالار قشقایی، تالار چهار سو، تالار سایه، کارگاه نمایش، تماشاخانه سنگلیج، تالار مولوی، خانه نمایش، تماشاخانه مهر، تالار اسوه، تالار محراب و تالار فردوسی میزبان نمایش‌های صحنه‌ای و محوطه تئاتر شهر، پارکینگ تالار وحدت، پارک اندیشه و پارک لاله میزبان نمایش‌های خیابانی بودند.

هر چه به روزهای پایانی جشنواره نزدیک تر می‌شویم، میزان استقبال بیشتر و بیشتر می‌شود، خدا می‌داند اگر این جشنواره یک ماه باشد، کل مردم تهران هر روز در این مکان تجمع پیدا می‌کنند آن وقت دیگر باید ترسید که مبادا تئاتر شهر از هجوم این همه مشتاق تئاتر، ویران شود. این تفاسیر برای این گفته شد تا بدانید نمایش‌های بخش صحنه‌ای روز هشتم جشنواره چطور مورد استقبال تماشاگران قرار گرفته بود.

زیاد در موردش نمی‌گوییم چون خودتان مثل شب‌های گذشته حضور داشتید و شاهد این استقبال چشمگیر بوده‌اید. تماشاگران مشتاق بخش خیابانی در روزی که گذشت، اصلاً صدای کارشناس هوشناسی را هم نخواستند بشنوند چون این آخرین روزی بود که آن همه نمایش خیابانی اجرا می‌شود. پس با حضور خود، خواستند تا هیچ نمایشی را از دست ندهند.

نمایشنامه خوانی هم با نمایشی که توسط مسعود دلخواه نوشته و کارگردانی شد، روزی نظیری را پشت سر گذاشت. تماشاگران بعد از اجرا آرزو می‌کردند که ای کاش نمایشنامه خوانی هم از اجرای عمومی بهره‌مند می‌شد. اما حیف که این آرزو هیچ وقت اجابت نمی‌شود. ولی شما دوستان آرزو کنید چون آرزو بر جوانان عیب نیست.

در روزی که گذشت دومین روز از سمینار تئاتر در کشورهای اسلامی هم به پایان رسید، در واقع این سمینار در این روز پایان یافت. حضور پژوهشگران و علاقه‌مندان به حوزه‌های پژوهشی نشان از کیفیت این اتفاق دارد.

امروز در تالارها چه خبر است؟

و اما وارد آخرین روز جشنواره بیست و هفتم تئاتر فجر شدیم. دیدید چه زود به آخر جشنواره رسیدیم. نمی دانیم تا چه حد توصیه‌های ما را در دیدن نمایشها جدی گرفتید و از برنامه‌های متنوع این دوره بهره بردید؟! اگر تا به امروز وقت نکردید از هیچ نمایشی دیدن کنید، روز آخر جشنواره را از دست ندهید که یک روز دیدن نمایش‌های جشنواره آن هم در روز پنجشنبه می‌ارزد به ۱۰ روز مسافرت رفتن. بگذریم و وارد معرفی نمایش‌های امروز شویم. امروز بخش مسابقه بین الملل با دو نمایش «دیوار» به کارگردانی بسیک کوپریش ویلی در تالار سایه و «باغ آبلالو» به کارگردانی الکساندر ساشادونجروویچ در خانه نمایش، میزبان تماشاگران است. اما امروز بخش چشم انداز تئاتر ایران در سال ۸۸ بسیار پر بارتر از بقیه بخشها است. به گونه‌ای که نمایش «کوکوی کبوتران حرم» به کارگردانی علیرضا نادری در تالار چهارسو، «کابوس‌های یک پیر مرد باز نشسته خائن ترسو» کاری از نادر برهانی مرند در تالار قشقایی و «همه چیز درباره آقای ف» کاری از آرش عباسی در کارگاه نمایش به روی صحنه می‌روند. «تولد» کاری از اکبر حسنی و «پرای عاشورا» کاری از بهروز غریب پور عنوان دو نمایشی است که امروز در بخش موضوعی جشنواره به روی صحنه می‌روند. تئاتر ملل با دو نمایش «آزمون سنار» کاری از علی مهدی در پارکینگ تالار وحدت و «مویه مادرم» کاری از موهند رسیده در تماشاخانه سنگلج اجرا می‌شود. در بخش جشنواره جشنواره‌ها دو نمایش «۱۴۱۷» کاری از سعید آلبوعبادی برگزیده یازدهمین جشنواره تئاتر مقاومت در تالار کوچک مولوی و «شب هزار و یکم» کاری از سارانیک طبیعت برگزیده هفتمین جشنواره سراسری تئاتر بانوان در تالار محراب به روی صحنه می‌روند. «هر آنچه دیدید» کاری از عبدالحی شماسی در تالار اصلی مولوی و «حجله در آتش» کاری از حسین ابراهیمی در تماشاخانه مهر به روی صحنه می‌روند. «از درون به برون» عنوان نمایشنامه‌ای است که به کارگردانی شهرزاد شجاع‌الدین در ساعت ۱۵ در تالار کنفرانس تئاتر شهر خوانده می‌شود. «تیغ کهنه ۹» به کارگردانی نادر برهانی مرند و «شب تنها» نیز امروز در تالار استاد انتظامی خانه هنرمندان ایران اجرا می‌شوند. در بخش پژوهش جشنواره، امروز آخرین نشست با حضور میشل کر، مدیر شبکه بین المللی هنرهای نمایشی معاصر در ساعت ۱۰ در سالن کنفرانس تئاتر شهر برگزار می‌شود. پنجشنبه آخرین روز جشنواره را از دست ندهید.

دومین روز سمینار تئاتر در کشورهای اسلامی برگزار شد:

دغدغه تئاتر

روز گذشته دومین روز سمینار تئاتر کشورهای اسلامی در حالی برگزار شد که هنرمندانی از کشورهای ترکیه، آذربایجان، پاکستان و آمریکا در سالن کنفرانس مجموعه تئاتر شهر گرد هم آمده بودند.

پاکستان، تئاتری ریشه در سنتها

در ابتدای این سمینار ملیحه گوهر، مدیر هنری کمیانی هنری آجوکا بود که پس از ابراز خوشحالی از حضور در ایران گفت: «وقتی به کشورهای مثل ایران نگاه می‌کنیم می‌بینیم که یک سنت قدیمی برای تئاتر وجود داشته است. من هم قصد دارم درک خود را از هویت پاکستانی در تئاتر نشان دهم. وقتی ۳۰ سال قبل کارمان را آغاز کردیم گذشته‌ای نداشتیم که به آن تکیه کنیم و کار سنتی و پاکستانی نداشتیم. البته ما یک سنت تئاتری مردمی داشتیم که متأسفانه به دلیل عدم حمایت دولتی عملاً در حال از بین رفتن بود. در مورد محتوای کار، ما مشکلی نداشتیم چرا که تئاتر ما سیاسی بود ولی آن چیزی که برای ما جای سؤال بود فرم کار بود که ما چه نوع تئاتری را باید اجرا کنیم.»

وی در ادامه افزود: «شکلی که در تئاتر انتخاب کردیم در سنتهای ما ریشه داشت و سعی ما در دوباره سازی این شکل سنتی بود و در واقع هنرهای معاصر را با سنت گره زدیم. ما به روستاها می‌رویم و نمایش‌هایی اجرا می‌کنیم که مسائل آنها را به نمایش می‌گذارد. ما کارهای مختلفی انجام می‌دهیم اعم از ترجمه، اقتباس و... ما مشکلاتی در تئاتر همواره داشته‌ایم اما پس از پایان دیکتاتوری نظامی در اوایل دهه ۸۰ و با حضور بی نظیر بوتو فضای بهتری در پاکستان به وجود آمد.»

وی گفت: «در پاکستان چهار گروه تئاتری وجود دارد که کارهای باکیفیت بالا ارائه می‌دهند اما در دانشگاه‌هایمان آموزش تئاتر نداریم و کارهایی که انجام می‌دهیم بر مبنای تجربیات شخصی مان است. ما با هنرهای ارتباط خوبی داریم و به ما آموزش می‌دهند، چرا که کار با هنرهای بسیار آسان است و ما سنت‌ها و زبان مشترکی داریم. به هر حال ما از تخصص سایر کشورها نیز استفاده کرده‌ایم مثل انگلیس و آلمان. ولی با توجه به وضع اقتصادی پاکستان فعلاً این ارتباط قطع شده است. ما راه‌هایی پیدا کردیم تا تماشاگران بتوانند با ما ارتباط برقرار کنند.»

ترکیه و تئاتر مدرن

در ادامه این سمینار، «جلال موردنیز» از ترکیه به ارائه مقاله‌ای پرداخت و گفت: «تئاتر مدرن ترکیه از اواسط قرن ۱۹ توسط هنرمندان ارمنی شکل گرفت که فقط هنرمندان ارمنه در آن فعالیت داشتند. این تئاتر مدرن بعد از اعلام جمهوری در ترکیه یعنی از سال ۱۹۳۰ به بعد شکل گرفت. پس از ظهور جمهوری این تئاتر با هدف تک زبان بودن دولت ملی به وجود آمد و در جهت گسترش تئاتر تاروستاهای مختلف فعالیت کرد. جمهوریخواهان جمهوری را سمبلی برای تئاتر مدرن می‌دانستند. سازمان دولتی تئاتر ترکیه از سال ۱۹۴۹ به وجود آمد و امروز به صورت یک اداره مرکزی درآمد و طی مدت ۱۲ سال صاحب ۴۳





سالن تئاتر و ۸۰۰ بازیگر شده است.»

جمهوری آذربایجان و ۳۲ گروه دولتی

در ادامه اتابک نادری به عنوان مترجم و قرائت کننده متن ترجمه شده جنت سلیم آوا گفت: «بیش از ۳۲ گروه دولتی در آذربایجان فعالیت می کنند. ۱۱ گروه دولتی در باکو و مابقی در شهرهای دیگر آذربایجان مثل گنجه، لنکران، داخ، نخجوان و... فعالیت دارند. بیش از ۵۰ گروه غیر دولتی نیز در آذربایجان فعالیت دارند. تئاتر آذربایجان یک تئاتر رئالیستی و روانشناختی است که خانم سلیم آوا یک مطلب علمی در رابطه با آن ارائه می دهند.»

سلیم آوا: تئاتر باید زنده باشد

پس از صحبت های نادری، سلیم آوا گفت: «پیتر بروک کارگردان بزرگ انگلیسی، تئاتر را به دو قسمت زنده و مرده تقسیم کرده است. تئاتر زنده از آن جهت مورد توجه است که می توان واکنش تماشاگر را دید و ارتباط بین بازیگر و تماشاگر وجود دارد. اما این بدان معنا نیست که باید صحنه های زیبا و مجلل با لباس های فاخر مهیا شود. در تمام این ها اگر بازیگر از خود انرژی بروز ندهد تأثیری در تماشاگر نخواهد داشت. تئاتر می تواند بسیار فقیر باشد و با لباس های ساده اما در آن بین تجربه بازیگر و تماشاگر انتقال پیدا کند. پیتر بروک می گوید: نمایش های تعزیه در زمان شاه ممنوع شده بود به همین دلیل مرا برای دیدن تعزیه به یک ده کوره بردند. در آن جا میدانگاهی را دیدم که در کوچه های خاکی و با حضور مردم پر شده بود. آن موقع جدا کردن مردم از بازیگران کار سختی بود. نمایش شروع شد و تماشاگران با احساسات فراوان تعزیه را می دیدند و من که زبان فارسی را متوجه نمی شدم از کنار کار را می دیدم. در این تعزیه هیچ دکور و نورپردازی وجود نداشت، ولی تأثیرات نمایش به گونه ای بود که بغضی گلولی تماشاگران را می فشرد و اشک از چشمان شان جاری می شد. پس از بازگشت بروک به تهران قرار شد تعزیه را در جشنواره ای در اصفهان شرکت دهند. صحنه بسیار زیبایی مهیا شد و بازیگران با لباس های فاخر کار را اجرا کردند. در روستا همه چیز ساده ولی زنده بود ولی در اصفهان همه چیز زیبا ولی مرده بود. این تفاوت نمایش زنده و مرده است و ما به این شکل از تئاتر زنده سخن می گوئیم.»

و در پایان

در آخر این سمینار سینیما کروت از آمریکا نیز در مورد تحقیقات خود پیرامون تئاتر عرب به ایراد سخن پرداخت. گفتنی است امسال در جشنواره تئاتر فجر بخشی به نام تئاتر ملل کشورهای اسلامی راه اندازی شده که در این بخش از کشورهای سودان، افغانستان، آذربایجان و عراق حضور داشتند. **آزمایش سنار** / نمایشی از کشور سودان به نویسندگی، کارگردانی و طراحی حرکت علی مهدی نوری است. علی مهدی نوری از ۲۰ سال پیش گروهی را به شکل مستقل راه اندازی کرد با این هدف که به تئاتر و فعالیت های فرهنگی بپردازد. او همچنین پایه گذار یک جشنواره دوسالانه به نام **albugan theatrical days** است که امسال نهمین دوره اش برگزار می شود.

مویه های مادرم / سه مرد از سه فرقه دینی متفاوت با یکدیگر زندگی می کنند. تا این که با یکدیگر اختلاف پیدا کرده و از روی طمع و سوء نیت مقابل یکدیگر می ایستند. به دلایلی به خشونت با یکدیگر روی می آورند و این رفتار تا بدان جا پیش می رود که تصمیم می گیرند از شر یکدیگر خلاصی یابند و ... موهند رشید کارگردان جوان عراقی این نمایش را با فرمی متفاوت به جشنواره امسال آورده است.

در انتظار گودو / «جنت سلیم آوا» هنرمند ۶۹ ساله آذری در دو دانشگاه دولتی آذربایجان و لنینگراد (شوروی سابق) تحصیلات دانشگاهی خود را پشت سر گذاشته است. او هم اکنون دارای یک تئاتر با نام کامراد باکو است که سابقه ۱۸ ساله دارد و خود به کشورهای مختلف از جمله روسیه، اوکراین، ترکیه، مالدیو و ایران سفر کرده است. «جنت سلیم آوا از آن دست کارگردانانی است که به ارائه متون کلاسیک اعتقاد بسیاری دارد و با اجرای «در انتظار گودو» با چنین رویکردی مواجه شده است.

دخترک بودایی / هادی مجتبیایی یک هزاره افغانی است که به بامیان تعلق دارد و در «دختر بودایی» به همین ماجرا اشاره می کند. سر بازی زخم خورده در بامیان از دختری که پدرش نگهبان بوداهای بامیان است، می خواهد از این میراث گرانقدر محافظت کند.

کتاب های جشنواره

چهار عنوان کتاب جشنواره تئاتر فجر با همکاری دبیرخانه این جشنواره و دفتر انتشارات و پژوهش مرکز هنرهای نمایشی چاپ و منتشر شد. نمایشنامه های برگزیده این جشنواره در سه مجلد و مجموعه مقالات پژوهش برتر جشنواره در یک جلد وارد بازار کتاب شد.

این کتاب که شامل ۷ مقاله پژوهشی برتر در حوزه های موسیقی، گرافیک و عکس تئاتر می شود در ۱۶۰ صفحه و با قیمت ۴۵۰۰ تومان منتشر شده است.

عناوینی چون «تعزیه، درام موسیقایی»، «زیبایی شناسی کلام در آثار دراماتیک»، «صحنه های نمایش ایرانی در آثار طراحی دوره صفویه»، «پوستر تئاتر»، «Performance Photography عکاسی تئاتر (عکاسی صحنه های نمایش)» و «عکاسی تئاتر در گفت و گو با عکاسان تئاتر» در این کتاب درج شده است.

۱۰ نمایشنامه برگزیده بخش تولید متون بیست و هفتمین جشنواره تئاتر فجر در سه مجلد چاپ شده است.

نمایشنامه های «پروانه نافوس» نوشته فارس باقری، «سرباز سال بلند» نوشته علیرضا حنیفی، «از درون به برون» نوشته محمود ناظری و «گره ای در تار و پودش» نوشته ترانه برومند در ۲۲۴ صفحه و تیراژ دو هزار نسخه و با قیمت پشت جلد ۲۴۰۰ تومان در یک مجلد وارد بازار کتاب شده اند.

و نمایشنامه های «نا امنی» نوشته هاله مشتاقی نیا «نگاهی به یک سو از هزار توی شهر» نوشته مرضیه ازگلی و «پلی از جنس شیشه» نوشته نگار نادری در ۱۷۶ صفحه گرد آمده اند. این کتاب نیز با شمارگان دو هزار نسخه و قیمت ۲۱۰۰ تومان عرضه شده است.

سه نمایشنامه «از اینجا تا ابدیت» نوشته مسعود دلخواه، «غرب غمزه» نوشته مارتین مک دوناف و ترجمه پویا فرزاد دنیا و «اینجا کسی نمرده است» نوشته سلما سلامتی نیز در ۴۸ صفحه با قیمت ۲۶۰۰ تومان به فروش خواهد رسید.

طراحی جلد چهار کتاب معرفی شده توسط سعید انصافی انجام شده است. استفاده از زمینه سفید، کادر کتیبه ای مشکی و نشانه گذاری های گرافیک کامپیوتری و حروف ریز کادربندی شده از جمله ویژگی های طراحی اوست که در جدیدترین محصولات انتشارات نمایش به چشم می خورد. در مقدمه هر کتاب یادداشت حسین مسافر آستانه، دبیر جشنواره بیست و هفتم در باب توجه به نمایشنامه به عنوان پایه و اساس هنر تئاتر درج شده است.





گفت و گو با علی راضی کارگردان نمایش
«انتهای آسمان کجاست؟»

زبان عامل انتقال مفاهیم نیست

در این همکاری طرح از شما بود یا خانم ثمینی پیشنهاد دادند؟
خانم ثمینی طرح اولیه را به من پیشنهاد ندادند. اگر بخواهم دقیق توضیح بدهم، از همان موقعی که داشتیم «اسب‌های آسمان خاکستر می‌بارند» را با هم کار می‌کردیم، من به طرح این نمایش فکر کردم. همان طوری که در یادداشت‌م در کاتالوگ جشنواره توضیح دادم، ایده اولیه اش از همان جایی آمد که در جایی خواندم؛ اگر یک فضا نورد در سفینه فضایی اش بمیرد، آن وقت قرار است که چه کار کرد و اگر این فرد را در مدار یک سیاره بیاندازد تا اید در مدار این سیاره می‌چرخد. من به این تصویر عجیب فکر کردم، آدمی را که یکدفعه می‌خواهند در مدار یک سیاره بیاندازند و او محکوم می‌شود به این که تا اید در مدار این سیاره بچرخد. این را با نغمه ثمینی در میان گذاشتم و این پایه متن «انتهای آسمان کجاست» شد.

شکل اجرایی هم همانند کار قبلی تان است؟

بله، در سطح زبانی اجرا اتفاقی که می‌افتد، باز آن ترکیب زبان‌های مختلف را ادامه دادم. تجربه‌ای است که کار می‌کنم تا ببینم چه نتایجی از آن حاصل می‌شود. من سعی کردم از طریق سنتز زبانهای مختلف، یک موزیکالیت‌ای در سطح زبان اتفاق بیافتد. سعی می‌کنم که زبان در کارهایم عامل انتقال مفاهیم نباشد. بلکه زبان خودش عنصر موزیکال شود.

و این باعث می‌شود که نمایش از یک اقلیم خاص بالاتر رود.

نکته درستی که شما اشاره می‌کنید، ما را مجبور می‌کند که در آن لحظه مهم انتخاب پروژه به تمام این چیزها فکر کنیم چون نمی‌توانیم این تجربه با زبان‌های مختلف را صرفاً به عنوان یک بازی یا یک ماجراجویی قبولش کنیم باید به لحاظ تئاتری توجیحات لازم را به وجود بیاورم. در این کار توجیه بزرگ ما این است که «انتهای آسمان کجاست» و این سؤالی است که در ذهن بشر وجود داشته است.

و این کار را برای شما دشوار نمی‌کند، یعنی چند زبانه بودن برای هدایت بازیگران؟

صد درصد کار را سخت می‌کند. این نمایش اجرای اولش نیست که در فجر اجرا می‌شود از بهار ۸۷ اجراهایش شروع شده و تقریباً یک دوره تمرینی بسیار سخت را پشت سر گذاشتیم. قبل از تجربه اولم با خانم ثمینی، من روی ترکیب زبان‌ها کار کرده بودم. متن «انتهای آسمان کجاست» با علم به این که می‌خواهد چگونه اجرا شود، نوشته شد و این تأثیر گذاشت. و خانم ثمینی با علم به این که هر دیالوگ به چه زبانی است، نوشت.

گفت و گو با سمیرا سینایی، کارگردان نمایش
«رستم و سهراب»

رستم و سهراب به روایت یک زن

چطور شد با نمایش «رستم و سهراب» در جشنواره امسال از کشور مجارستان شرکت کردید؟

من نقالی «رستم و سهراب» را ۱۵ سال است که دوست دارم اجرا کنم. بعد از دانشکده که به مجارستان رفتم، طرح نقالی «رستم و سهراب» از آنجا شروع شد. می‌خواستم یک کار تک نفره اجرا کنم. آن موقع‌ها فرصت نشد دنبال آن بروم ولی ایده‌هایم همچنان بود که چطور می‌توانم با پروچکشن و یک بازیگر و دو زبان فارسی و مجاری نمایشی را به روی صحنه ببرم که آن زمان پولی را برای حضور در فستیوال به من ندادند و نشد انجام دهم. بعد که به ایران برگشتم درگیر کار طراحی صحنه و لباس شدم. بعد از مدتی کار کارگردانی را شروع کردم که بیشتر در حوزه تئاتر تجربی و پرفورمنس بود و دوباره خاطره آنچه که می‌خواستم انجام بدهم زنده شد و خواستم کار کنم. مجدداً سه طرح را به مرکز پیشنهاد دادم که یکی از آنها نقالی «رستم و سهراب» به چند زبان بود. که طرح تأیید نشد. در مورد طرح نقالی که جداگانه پرسیدم چرارد شده به من گفتند که نقالی کاری است که بارها و بارها انجام شده و برای تماشاگر ایرانی جالب نیست. تأکید روی این کار فیگور تمینه است.

دلم می‌خواست با این تأکیدگذاری کار کنم. اما این قضیه همچنان با من بود تا زمانی که به مجارستان رفتم و با خانمی که امروز کار حرکات نمایشی من را انجام می‌داد، صحبت کردم که نمایش را در قهوه‌خانه‌های مجارستانی اجرا کنیم یا این که در سالن نمایش اجرا کنیم؛ ولی تحت عنوان نقالی ایرانی. بعد دنبال یک نقال گشتم که به زبان مجاری کاملاً مسلط باشد.

بر خورد مجاری‌ها با این شکل اجرایی چگونه بود؟

این نمایش را که شروع به کار کردیم، ایده این که به جشنواره فجر بیایم در ذهنم به وجود آمد. در حالی که هنوز داشتیم روی متن کار می‌کردم. به همین خاطر ما هنوز برای تماشاگر مجاری اجرا نکرده‌ایم ولی در ماه فوریه در بوداپست اجرا خواهیم داشت. یکسری از تئاتری‌های مجاری که کار را دیدند، بسیار برایشان جالب بود. یعنی آشنا شدن با زبان فردوسی برایشان جالب بود.

مجارها، آدمهای کنجکاو هستند. کسانی که کار را دیدند بسیار ارتباط با آن برقرار کردند و برایشان عجیب بود که چطور ما یک نمایشنامه ایرانی مردانه را با چهار خانم داریم تعریف می‌کنیم که این مسئله قطعاً برای تماشاگر ایرانی هم مطرح می‌شود.

یعنی در روایت شما، رستم و سهراب در درجه دوم هستند و زن نمایش است که بیشتر دیده می‌شود؟

ما تغییری در داستان فردوسی انجام ندادیم و چیزی اضافه نکردیم، بلکه کم کردیم. ما چهار نفریم و وقتی این نمایش از زبان زن مطرح می‌شود، دیدگاه دیگری روی آن می‌آید. بدون این که مادستکاری خاصی روی آن انجام داده باشیم. در واقع کاری که من روی متن به کمک دوستان انجام دادم، این بود که ما انتخاب کردیم یعنی بخش انتخاب رستم و تمینه، بعد بزرگ شدن سهراب و سپس رویه‌رو شدن سهراب با پدرش. ما کاری نکردیم فقط خواستم تماشاگر ببیند وقتی از زبان یک زن این قضیه تعریف می‌شود، چه تصویری پیش می‌آید.



بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر
پنج‌شنبه، دهم بهمن ماه ۱۳۸۷



علیرضانادری، نویسنده و کارگردان نمایش «کو کوی کبوتران حرم»:

کارگردانی خوانش متن است

مسائل

دینی و عرفی تبدیل شد. در حقیقت پرداختن

به معضلات اجتماعی و مطرح ساختن مسائل اجتماعی در طول تئاتر برای نویسندگان و دست‌اندرکاران تئاتر باید آرام آرام صورت می‌گرفت، چون ظرفیت نقد اجتماعی وجود نداشت، بنابراین طی دهه گذشته با شدت و ضعف، پرداختن به این موضوعات تا حدودی رواج پیدا کرده است.

پس در واقع رویکرد نمایش‌ها و نمایشنامه‌ها در آن سال‌ها تنها نمایشنامه‌های دینی و مذهبی بودند. آثار اجتماعی چه جایگاهی در این میان داشته‌اند؟

تا حدودی این طور بوده از طرفی نمایشنامه‌های خارجی و با اقتباسی نیز رونق داشت. به اعتقاد من اساساً آثار اجتماعی دو شکل دارد. دسته اول آثاری که به ناتورالیسم نزدیک می‌شود و دسته دوم آنهایی که مسائل اجتماعی را نقد می‌کنند. پس نقد اجتماعی به هر وسیله نمی‌تواند رواج پیدا کند. بسترهای اجتماعی خود به خلق آن دامن می‌زند.

به اعتقاد شما پتانسیل خلق آثار با موضوع انقلاب در تئاتر به چه اندازه است؟

تجربه ثابت کرده است که هنرمندان بسیاری در خلال خلق آثارشان با مسائل گوناگونی مواجه شده‌اند و نتایج خوبی هم در بر داشته‌است. به طور مثال تاجچه اندازه سازمان‌ها و نهادها از تولید و خلق آثاری که رویکردهای اجتماعی با هدف مسائل اجتماعی داشته‌اند حمایت کرده‌اند و بر تولید متمرکز بوده‌اند.

تئاتر تاجچه اندازه می‌تواند به صدور اندیشه‌ها کمک کند؟

امروز نقایض از جهان با نمایش شناخته می‌شود. ابزار مشورتی می‌تواند این وظیفه را به تئاتر محول کند در صورتی که بی‌اعتمادی به تئاتر و نگاه‌هایی از این دست بر چیده شود و یا لاقط تطیف شود. تا زمانی که هنر ابزار باشد نمی‌تواند چنین رسالتی را بر دوش بکشد.

بی تردید

علیرضا نادری

یکی از برجسته‌ترین

و نامی‌ترین نویسندگان

و کارگردانان در دهه گذشته

به حساب می‌آید. آثار او در

حوزه ادبیات نمایشی دفاع مقدس

و همچنین آثارش طی دهه‌های گذشته

ماندگار بوده‌اند و همیشه پس از سال‌ها،

تازگی و طراوت یک اثر را حفظ کرده‌اند.

عدم حضور این نویسنده و کارگردان طی سالیان

گذشته در عرصه تئاتر حرفه‌ای کشور به نوعی

سبب‌ساز بروز خلأیی آشکار در میان اهالی تئاتر

دهان‌به‌دهان می‌چرخید. پنج سال دوری و فراغت

از حضور در جشنواره، امسال با اجرای نمایش

«کو کوی کبوتران حرم» کم‌رنگ نمی‌شود، اما غنیمتی

است که نمی‌توان بی تفاوت از کنار آن گذشت. با نادری

در جریان تمرین نمایش گفت‌وگو کردیم که چکیده آن

از نظر تان می‌گذرد.

به اعتقاد شما مهم‌ترین تغییر و تحولات در حوزه

نمایشنامه‌نویسی سه دهه پس از انقلاب اسلامی چه بوده

است؟

مهم‌ترین اتفاق در دهه ۷۰ به بعد در عرصه نمایشنامه

نویسی به وقوع می‌پیوندد و رویکرد جدی‌تر نویسندگان

به مسائل اجتماعی و تأثیرات مخرب معضلات اجتماعی

در تئاتر شکل گرفت. به اعتقاد من نمایشنامه‌های

اجتماعی نه صرفاً نمایشنامه‌های رئالیستی، روز به

روز فضای کار بیشتری پیدا کردند.

دلیل این که در گذشته این اتفاق کمتر به چشم می‌آمد،

چه بود؟

دلایل متعددی دارد که مهم‌ترین علت این

است که جایگاه هنر به درستی تعریف نشده بود.

به هر حال شرایطی وجود داشت که سبب

شد تا غالب آثار به سمت آثار دینی و

مذهبی گرایش پیدا کنند. در واقع

تئاتر به نوعی تحت تأثیر

شرایط روز به محلی

برای پرداختن به

شما

جز و

نویسندگان

هستید که یک ریتم

مشخصی در آثار تان

دید می‌شود و بیشتر آثار تان

در چارچوب‌های اجتماعی و

پرداختن به آدم‌های جنگ است. اما

نمایش جدید شما کاملاً از آن آثار قبلی تان

جدا شده است. علت چیست؟

در سایر آثارم با محوریت و به صورت

اخص برای جنگ کار نکردم. چون همیشه به

جنگ به عنوان یک پدیده اجتماعی نگاه می‌کنم.

در این نمایش نیز در جایی بر جنگ نقی می‌زنیم.

توجه شما به مسائل اجتماعی آنقدر زیاد است که

تصور می‌شود، نمایشتان صرفاً جهت اجرا برای

مخاطب ایرانی نوشته و اجرا می‌شود و توجهی به

مخاطب خارجی ندارد.

مسئله من عمیقاً مسئله انسان است. با نگاه ویژه‌تری به

مردم ایران. اما اگر بخواهیم این گونه نگاه کنیم که مخاطب

خارجی نمایش را نمی‌فهمد باید بگویم که وقتی «سعادت

لرزان...» را اجرا می‌کردیم به فکر افتادیم تا یک پرورشور به

زبان آلمانی به دست مخاطب بدهیم. روبرو چولی از ما

خواست تا این کار را نکنیم. چون معتقد بود، مخاطبی که

این کار را ببیند، پس از پایان نمایش می‌تواند آن را به فارسی

برایمان تعریف کند. پس مخاطب با مسائل اجتماعی با هر

زبانی که باشد می‌تواند ارتباط برقرار کند.

معتقدم شما بسیار پاینده به متن هستید و این را

می‌توان در شکل کارگردانی تان به وضوح مشاهده

کرد؟

خیلی مایل نیستم که این دو را از هم تفکیک کنم.

به اعتقاد من کارگردانی خوانش یک متن است.

بطوری که وقتی من یک متن ۹۸ صفحه‌ای را برای

کار انتخاب می‌کنم ممکن است موقع اجرا

۶۰ صفحه باقی بماند. به هر حال باز هم

معتقدم کارگردانی در این کار دیده

نمی‌شود. در حالی که وقتی با

تحقیق به کار نگاه کنی،

جور دیگری دیده

می‌شود.



آرش عباسی، کارگردان و نویسنده «همه چیز درباره آقای ف»: هدفم جلب اعتماد بازیگران بود

با توجه به این که چند سالی است به عنوان نمایشنامه نویس مطرح شده‌ای، چطور شد امسال خودت خواستی یکی از نمایشنامه‌هایت را کارگردانی کنی؟

در مقام کارگردان، این سوئمن باری است که در جشنواره فجر حضور دارم. چند سالی دیدم که لزومی ندارد کار کنم و بهتر است بنویسم. ضمن این که در حال حاضر هم می‌دانم که کارگردانی دغدغه خاطر من نیست و نوشتن دغدغه اصلی‌ام است. در یکی دو سالی که تولیداتم بالا رفت و علاقه‌ای که به این نمایشنامه - همه چیز درباره آقای ف - داشتم باعث شد که تصمیم بگیرم خودم آن را کارگردانی کنم. ولی ترجیح می‌دهم که نمایشنامه‌هایم را دیگران کار کنند تا خودم.

چرا این قدر نمایشنامه «همه چیز درباره آقای ف» برایت مهم است؟

کار را اگر ببینید، کار ساده‌ای است. اما این آرزویی که من همیشه داشتم به دلیل این است که متن اولیه را چند سال پیش نوشتم و آن متن را به هر جا که دادم، برایش مشکل پیش آمد و امکان اجرا پیدا نکرد. یک بازیگری در آن انجام دادم و نمایشنامه دیگری شد. دلیل دوم این که در این نمایش من هم نویسنده، کارگردان هستم و هم بازیگر و این همه آن چیزهایی است که دوست داشتم بشوم و به خاطر نویسندگی کنار گذاشتم. سال ۷۵ که به تهران آمدم، آمده بودم تا بازیگر شوم ولی نشد، بعد تصمیم گرفتم کارگردان شوم، نشد و دست آخر همه اینها را کنار گذاشتم و شروع به نمایشنامه نویسی کردم. به همین دلیل همه آن چیزهایی که از من دور شدند و بهشان دست نیافتم در این اجرا دارم نشان می‌دهم.

این که خودت نقش را بازی می‌کنی دلیل این است که خودت دوست داشتی بازی کنی یا این که بازیگر مناسب این نقش را پیدا نکردی؟

واقعیتش این است که این کار را اول برای خودم نوشتم. اما این را نمی‌توان منکر شد که کارگردانی که خودش بازی می‌کند، دستش خیلی بسته است. من نگاه حرفه‌ای به کسی که این کار را می‌کند، ندارم. اما مجبور شدم این کار را بکنم. برای این که اعتماد آن بازیگرانی را که مد نظر من بودند را جلب کنم، خودم بازیگرانی را آمدم تا وقتی که کار قبول شد، سراغشان بروم. ولی متأسفانه باز هم نشد. مشکلاتی بود که این امر میسر نشد. امیدوارم که برای اجرای عمومی‌اش آن بازیگری که مد نظر است را راضی به بازی کنم.



جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر
شهرستان اصفهان
۱۳۸۷ ماه



اصغر خلیلی، کارگردان نمایش «تراژدی جنگ»: این نمایش از ایران است

مژگان بنان

«تراژدی جنگ» تنها نمایشی از شهرستان هاست که در بخش بین‌الملل حضور دارد. این نمایش که توسط اصغر خلیلی کارگردانی شده است، از اصفهان در جشنواره تئاتر فجر ۲۷ به روی صحنه خواهد رفت. اصغر خلیلی درباره داستان نمایش می‌گوید: نمایش داستان دو فرمانده جنگ است که وقتی رو در روی هم قرار می‌گیرند، به جای اینکه با یکدیگر بجنگند، با خود وارد جنگ می‌شوند. این کارگردان که نمایش تراژدی جنگ را یک نمایش ایرانی می‌داند تا یک نمایش شهرستانی، علت پذیرفته شدنش در بخش رقابتی جشنواره را این گونه بیان می‌کند: از جشنواره نوزدهم تا کنون همپای جشنواره قدم برداشته‌ام و حضور در بیش از هفت جشنواره تئاتر فجر، من را با نگرش، نظرات و ایده‌های جشنواره آشنا کرده است. وی ادامه می‌دهد: علاوه بر این تمام اعضای گروه ما دانش آموخته و تحصیلکرده تئاتر هستند. به عنوان نمونه، منشی صحنه نمایش «تراژدی جنگ» در رشته تئاتر کارشناسی ارشد دارد همین امر سبب شده که در بسیاری از موارد مرا یاری رسانند. خلیلی که سال گذشته نمایش «اترنامه» وی از سوی گروه نمایش آلمانی «روهر» پذیرفته شد و برای اجرا به آلمان اعزام شد. کارگردان نمایش تراژدی جنگ ادامه می‌دهد: اما متأسفانه همین نمایش «اترنامه» که هم در تهران، خرمشهر و آلمان به روی صحنه رفت. در اصفهان به ما اجازه اجرا ندادند. وقتی برای اجرا وارد صحبت می‌شویم، می‌گویند ملاحظه به ته دیگ خورده و بودجه نداریم. او که از وضعیت رسیدگی مسئولین تئاتر در اصفهان کله‌مند است می‌گوید: اگر حمایت از تئاترها نشود، دیگر هیچ رغبتی برای کار وجود ندارد. من دوست ندارم به عنوان یک گروه از اصفهان در جشنواره شرکت کنم زیرا مسئولان تئاتر اصفهان برای این نمایش هیچ زحمتی نکشیده‌اند. من دوست دارم با صدای بلند بگویم که «تراژدی جنگ» یک نمایش از ایران است. این کارگردان اصفهانی که حضور در جشنواره فجر را بسیار مفید برای گروه‌های تئاتری می‌داند در ادامه می‌گوید: جشنواره فجر جایی برای دیده شدن است. من از مسئولان برای افتتاحیه زیبای جشنواره تشکر می‌کنم. آنها تئاتر را به میان مردم آوردند و به شعاع واقعی تئاتر که تئاتر برای همه است عمل کردند. من پیرمردی را دیدم که در یک دستش نان باگت و در دست دیگر سبزی خورده بود اما برای دیدن افتتاحیه ایستاده بود و به خانه نمی‌رفت.

مسابقه بین‌الملل

جشنواره جشنوارهها

سارایک طبیعت، کارگردان نمایش «شب هزار و یکم»: دیدن نمایش ها لذت بخش است

«رخسان» و «روشنگ» که سعی دارند عقاید منفی شوهر «روشنگ» نسبت به همسرش را تغییر دهند، بساط مرگ «روشنگ» را می چینند. اما میرخان وقتی به خانه می رسد که... نمایش «شب هزار و یکم» به کارگردانی «سارا نیک طبیعت» از رشت در بخش جشنواره جشنواره ها به روی صحنه می روند. کارگردان این نمایش که پیش از این نمایشش عنوان نمایش برگزیده جشنواره بانوان را نصیب خود کرده است در خصوص حضور در جشنواره تئاتر فجر می گوید: امسال جشنواره از لحاظ کیفی رشد قابل ملاحظه ای داشته است. نمایش های خوبی وارد جشنواره شده اند، چه ایرانی، چه خارجی، که دیدن آنها نه تنها برای تئاتری ها، بلکه برای بیننده عام نیز بسیار لذت بخش است. وی که در طول برگزاری جشنواره نمایش های «باغ آلبالو» و «مریض خیالی» را دیده است در ادامه می گوید: خوشبختانه تبلیغات جشنواره هم بسیار خوب بود. اما متأسفانه به دلیل ترافیک کاری نتوانستم تمام نمایش ها را ببینم. نیک طبیعت که از حضورش گروه نمایشی از گیلان در جشنواره مسرور است اضافه می کند: متأسفانه مسئولان تئاتر گیلان قدر بچه های تئاتری گیلان را نمی دانند. امسال شش گروه نمایشی در جشنواره حضور دارد. این برای من که یک گیلانی هستم، جای بسی خوشحالی و افتخار است. اما این بچه ها به هر کجا برسند، از همت خودشان رسیده اند کسانی هستند که نه پشتوانه مالی دارند، نه معنوی. وی در پایان گفت: مثلاً همین نمایش «شب هزار و یکم» که کار برگزیده جشنواره بانوان بود، چنانچه بخوایم در گیلان اجرای عموم برویم، بیش از سه شب نمی توان اجرا رفت. زیرا مخاطب نداریم، همان سه شب هم فقط دوستان و خانواده ها برای دیدن می آیند. اجرای نمایش و کار تئاتر کردن، برای بچه های شهرستان تنها برای محو نشدن است. هیچ اتفاق مادی و معنوی پس از اجرا به وجود نمی آید.



مورثه تئاتر ایران در سال ۸۷

ایرج محرمی، کارگردان نمایش «کوارتیت تایتانیک»: استقبال و حشناک زیاد بود!

کوارتیت به معنای موسیقی است که توسط میهار نوازنده ساز، نواخته می شود. تایتانیک نیز در معنای لغوی آن به معنی «بزرگ» است. نمایش «کوارتیت تایتانیک» داستان انسانی هایی است که از تشخیص وجود خود عاجزند. آنان نمی دانند در تخیل یکدیگر را دیده اند، یا واقعی وجود دارند. آیا چیزی که می بینند در دنیای واقعی وجود دارد یا نه و آیا... «ایرج محرمی» کارگردان نمایش «کوارتیت تایتانیک» از زنجان در بخش مرور تئاتر ایران سال ۸۷ در جشنواره فجر ۲۷ نمایش خود را به روی صحنه برد. این کارگردان که از استقبال بی نظیر تماشاچیان در تعجب مانده بود گفت: هر چند اجرای اول حکم اجرای جنرال بود و ما تنها برای هماهنگ شدن با سالن و نور و صحنه، نمایش را اجرا کردیم، اما اجرای دوم بسیار دور از تصور من بود. تمام سالن مملو از جمعیت بود و تمام بلیت ها فروش رفته بود و تنها ۱۰ بلیت میهمان توزیع شده بود. در اجرای دوم ما حدود بیست میهمان خارجی داشتیم. در حقیقت استقبال و حشناک زیاد بود. محرمی که جشنواره تئاتر فجر را اتفاق مبارکی می داند می گوید: شکی نیست که جشنواره اتفاق خوب و مبارکی است. بچه ها و گروه های تئاتری از شهرهای مختلف می آیند و کارهای یکدیگر را می بینند. همین که جشنواره چنین بستری را فراهم می کند، بسیار ارزش است. وی با اشاره به تئاتر مرده شهرستان ها می گوید: در زنجان نیز همانند اکثر شهرستان های ایران، تئاتر مرده است. مشکل تئاتر زنجان، جدا از مشکل تئاتر ایران نیست. وقتی موضوع جشنواره تئاتر استانی مطرح می شود، کمی این موضوع خنده دار به نظر می رسد. زمانی که من در جایی زندگی می کنم که تمام مردم شهر می توانند در یک اجرا نمایش را ببینند، و نمی دانم اجرای دوم را برای کدام تماشاچی به روی صحنه بروم، نمی دانم معنی جشنواره تئاتر استانی چیست؟! او در ادامه اضافه می کند، اجرای جشنواره تنها یک اجرای صوری و نمایشی است. اگر هم واقعی باشد هیچ دردی را دوا نمی کند. وجود تئاتر در شهرستانها به شکل شوخی و در حد رفع تکلیف است.



نمایش خیابانی یک پای ثابت جشنواره‌های تئاتر است. جشنواره‌هایی که به‌طور مستمر می‌دهند چون جشنواره جایی است برای دیدن شدن. حتی اگر سردی هوا برای گروه‌های نمایش خیابانی و تماشاگران مشکل ساز باشد. البته خوبی‌اش این است که تماشاگران با دست‌های در جیب و گردن‌های فرو رفته در یقه پالتو متفکرتر به نظر می‌رسند! و بازیگران با هیجان و تحرک بیشتری بازی می‌کنند.

عبدالله رضایی با نمایش «مورینه» از شهرستان سقز در جشنواره بیست و هفتم تئاتر فجر حضور دارد. او در این باره می‌گوید: تئاتر خیابانی زبان گویای مردم است. این گونه نمایش حرف‌هایی را که مردم نمی‌توانند بزنند می‌زند و مشکلات آنها را به خوبی بیان می‌کند. به اعتقاد این کارگردان، نمایش خیابانی به نسبت نمایش صحنه‌ای تأثیر بیشتری دارد. عبدالله رضایی نمایشنامه‌هایش را در اختیار هیچ کارگردانی نمی‌گذارد و هر گاه نمایشنامه‌ای بنویسد خودش آن را کارگردانی می‌کند. ببیند و انتقال دهد. وقتی کارگردان‌های نمایش خیابانی از دغدغه‌های شان می‌گویند، یک پای اجتماعی سوق می‌دهد. کژان راست می‌دهد.

چون وجود دارد دستمایه کارش قرار می‌دهد. این کارگردان که با «زندگی قلکی» در جشنواره حضور دارد از وضعیت کنونی نمایش خیابانی چندان رضایتمند نیست و اعتقاد دارد آن گونه که به نمایش‌های صحنه‌ای بها داده می‌شود به نمایش‌های خیابانی توجه نمی‌شود. کژان راست‌بین به اجرای نمایش گوشه‌ای از مشکلات جاری در اجتماع را نشان می‌دهد. «زندگی قلکی» هم تلاش فردی است که برای بیماران خاص پول جمع‌آوری می‌کند.

او می‌خواهد خود به سراغ مردم برود و از آنها بخواهد نمایش ببینند. برای همین تئاتر خیابانی را انتخاب کرد. «مسیر سبز» قصه دو دوست است که به خاطر عهدی که در یکی از عملیات‌های پاکسازی (در زمان جنگ) با هم بسته‌اند، باید از شلمچه تا مشهد را بروند. مجرای «مسیر سبز» را به میان مردم می‌برد تا وفای به عهد را در این دنیای و نفسا بار دیگر به خاطر بیاورد. یکی از اهداف مهم این کارگردان بالا بردن سطح آگاهی مردم و ارتقای سطح فرهنگ در جامعه است. به اعتقاد مسعود محرابی نمایش خیابانی در چند سال اخیر روند رو به رشدی را طی می‌کند. او پیرامون رقابت گروه‌ها می‌گوید: داوری نباید از بخش خیابانی جشنواره حذف شود. به جز در



گفت و گو با کارگردان میرزا، موریانه، زندگی قلکی، مسیر سبز، بازی در صحنه صحنه‌ای به وسعت خیابان

بخش ویژه، داوری صورت نمی‌گیرد. همین مسئله رقابت را در میان گروه‌های نمایشی کم می‌کند و اگر رقابت نباشد لطف و صفا وجود ندارد. یکی از خواسته‌های کارگردان «مسیر سبز» در اختیار قرار دادن فضای کافی برای تمرین به گروه‌های نمایش خیابانی است تا این گروه‌ها امکان کافی برای تمرین داشته باشند و شأن و منزلت از دیگر کارگردان‌هایی که بار قبلی شدن نمایش‌های آزاد جشنواره موافق است، مهدی اسفندیآبادی است. به نظر او رقابتی بودن جشنواره به بالا بردن سطح کارها کمک شایانی می‌کند. این کارگردان با نمایش «بازی در لحظه» در بخش ویژه انقلاب اسلامی بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر حضور دارد. اسفندیآبادی این جسارت را به خود داده که بازیگر بر روی صحنه نیلورد و با استفاده از تکنیک نمایش خلاق تئاتر در صحنه، مردم را برای بازی انتخاب کرده است.

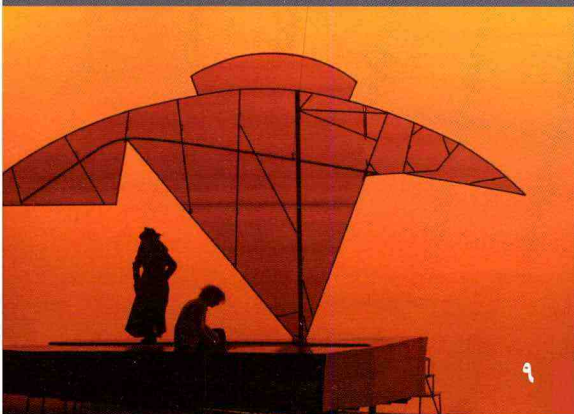
او از اولین تجربه‌های علاقه‌مندی‌اش به تئاتر می‌گوید: از پنج سالگی با تجربه آشنایم. حسن تعزیه در می‌یابند مستعد کار در کدام رشته هنری هستند. نگار نادری از این دسته است. او هنرهای مختلفی را از نمایش کرده و بالاخره در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به این نتیجه رسیده، چیزی کرده است و حالا که با «میرزا» از لاهیجان به جشنواره آمده، شخصیتی را به تصویر می‌کشد که برای قزاقها تحت فشار هستند. میرزا کوچک جنگلی به میان مردم می‌آید و از آزادی سخن می‌گوید... می‌گوید: انگار مردم در تئاتر شهر عادت کرده‌اند که تئاتر بینند. این مسئله در تهران اتفاق افتاده و متأسفانه در شهرستان وجود ندارد. نمایش «میرزا» با ۲۰ دقیقه تأخیر شروع شد. مردم معطل بودند و ساوا و جودستان وجود ندارد. مردم در حکمرانی کند و سکوت کنند تا بازیگران صحنه هنرشان را به تصویر در آورند. مردم در خیابان به تئاتر عادت می‌کنند و در ذهنشان صف می‌ایستند، بلیت می‌خرند، بر روی صندلی می‌نشینند، انتظار می‌کشند و از خاموش شدن چراغ‌های سالن به وجد می‌آیند.





۵

- ۱- یوسف می آید - سعید تشکری
- ۲- آزمون سنار - علی مهدی
- ۳- تراژدی جنگ - اصغر خلیلی
- ۴- خواب برهنه برف - رضا گشتاسب
- ۵- دیوار - کوپرش ویلی
- ۶- از اینجا تا ابدیت - مسعود دلخواه
- ۷- مویه مادرم - موهاند رشید
- ۸- دیوار چین - مریم معترف
- ۹- آمادئوس - مئیژه محامدی
- ۱۰- تراژدی مکلت - آرمان طبران
- ۱۱- انتهای آسمان کجاست - علی راضی



۹





دکتر سرسنگی، مدیری تأثیر گذار

معیارها و مشخصه‌ها در نمایشنامه‌نویسی غربی و شرقی، مبانی نمایشنامه‌نویسی، جنبه‌های نمایش داستانی شاهنامه، تئاتر جنگ، تئاتر دفاع مقدس (مبانی نظری)، رابطه بازیگر و تماشاگر در نمایش های مذهبی، بررسی نمایشنامه‌نویسی معاصر در ایران (اشکال و درونمایه‌ها)، گل باغ کویر (داستان)، مقالات انتقادی (نقد نمایش، داستان و فیلم)، یکی بود، یکی نبود (نمایشنامه)، مقدمه‌ای بر نمایش های سنتی و آیینی در ایران (مقاله)، زبان نمایش (ترجمه)، گفتگو با پیترو بروک درباره هملت (ترجمه)، نقش فضای فیزیکی در رابطه بازیگر و تماشاگر در تئاتر یونان بوستان (مقاله)، تأملی در ژست های معنوی (ترجمه)، بچه‌های باغ محله (نمایشنامه)، آموزش تئاتر در ایران، تماشاگران تئاتر (ترجمه)، نسبت تئاتر دفاع مقدس و نمایش مذهبی (مقاله)، دانشگاه و توسعه تئاتر (مقاله)، نقش هنر نمایش در ثبت و اشاعه ارزش های دفاع مقدس (مقاله)، پژوهش در حوزه فرهنگ و هنر (مقاله)، آسیب شناسی توسعه تئاتر دانشگاهی (مقاله)، گفتن شرق شناسانه در نمایشنامه ایران (مقاله)، دراماتورژی غیر رئالیستی، خلق واژگان جدید (ترجمه) اشاره کرد. دید نیست در اینجا اشاره ای هم به نظرات دکتر سرسنگی درباره جشنواره تئاتر فجر داشته باشیم. او در این باره در دوره ای که دبیری جشنواره را عهده دار بود صحبت های فراوانی در این باره داشت. از آن جمله گفته: جشنواره های تئاتری هر کدام رویکردی دارند، اولویت بندی هایی برای خودشان دارند و معمولاً مثل جشنواره فجر گسترده نیستند. جشنواره فجر به لحاظ اینکه هم در سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی رخ می دهد و در حقیقت به دلیل این رخداد مهم تاریخی برگزار می شود و هم اینکه تلاشی می کند آینه تمام نمای تئاتر کشور در طول سال گذشته باشد، طبیعتاً با گستردگی بیشتری مواجه است. خیلی از جشنواره های دنیا تعداد کارهایی که در جشنواره هایشان ارایه می شود حداقل و حداکثر ۱۰ تا ۱۵ نمایش است. البته جشنواره های دیگری هم هست که تعداد کار بیشتری دارند برای اینکه زمان و مکان برگزاری آن جشنواره بیشتر است. مثل جشنواره ادینبورو یا آوینیون و یا سایر جشنواره ها. جشنواره فجر این ویژگی را دارد که در یک مدت زمان کوتاه، بین هفت تا ۱۰ روز تقریباً گستره خیلی وسیعی از تئاتر مملکت را به نمایش بگذارد. ضمن اینکه یک نگاهی هم به حوزه بین الملل در این سال ها دارد. یعنی سعی شده با توجه به اتفاقاتی که در تئاتر جهان رخ داده، با دعوت از گروه های خارج از کشور به ایران، تبادل تجارب بین هنرمندان کشورمان و سایر کشورها صورت بگیرد. در واقع این تعامل فرهنگی یکی از ایده های مهم جشنواره در انتقال ارزش های فرهنگی محسوب می شود. دکتر سرسنگی با توجه به اشراف و اطلاعاتی که از جشنواره های دیگر تئاتری در دنیا دارد جشنواره بین المللی تئاتر فجر را یک جشنواره خاص و منحصر به فرد می داند. در این فرصت تنها مجالتی بود که یادی از یکی از چهره های تأثیر گذار تئاتر طی این سال ها داشته باشیم.

دکتر مجید سرسنگی، یکی از هنرمندان شناخته شده عرصه فرهنگ و هنر است و از هنرمندان متعهدی که طی سالها در عرصه های مختلف مدیریتی فرهنگی و هنری مشغول بوده است. وی که متولد ۱۳۴۶ در سبزوار است، دکترای هنرهای نمایشی از دانشگاه مرکزی انگلستان، دانشکده هنر و معماری بیرمنگهام دارد و در حال حاضر قائم مقام سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران است و دبیر گروه هنرهای نمایشی فرهنگستان هنر، سال گذشته دبیر جشنواره تئاتر فجر بود که توانست با تشکیل اتاق فکر و طراحی یک نظام واحد مدون برای جشنواره تئاتر فجر، حرکتی جدید را در نظام جشنواره ای پایه گذاری کند. اما باید پیشینه فعالیت های هنری و فرهنگی او را پیش از هر جایی در سالها تدریس و مدیریت گروه های تئاتری دانشگاه های مختلف جستجو کرد. مدیری که حضورش در هر صحنه، تحولات مثبتی را رقم می زند که از آن جمله می توان برای نمونه به راه اندازی تالار صمیمی معجم به عنوان تالار تخصصی نمایش عروسکی در دانشکده پردیس هنرهای زیبا و برپایی رپر توار اجراهای کلاسی گروه عروسکی و تلاش در جهت برگزاری دوره کارشناسی ارشد تئاتر عروسکی، پس از آن منصوب شدنش در سالهای گذشته به عنوان مدیر گروه نمایش دانشکده هنرهای نمایشی و موسیقی پردیس هنرهای زیبا رخ داد. اشاره کرد. در یک نگاه از سوابق دیگر دکتر می توان به مدیر مسئول مجله تجربه، (۱۳۸۵)، عضو شورای فرهنگی پردیس هنرهای زیبا، عضو هیأت داوران نهمین جشنواره بین المللی تئاتر دانشگاهی، عضو شورای سیاست گذاری یازدهمین جشنواره بین المللی عروسکی، عضو کمیته اجرایی مؤسسه بین المللی تئاتر Member of Excom of ITI، مسئول دفتر مطالعات و تحقیقات تئاتر آسیا General director of Asian Theatre Research office، دبیر چهارمین جشنواره تئاتر رضوی، نماینده دانشگاه در برگزاری همایش سالانه دانش آموزان برتر علمی کشور، عضو ثابت کمیته تخصصی امور هنری (شورای ارزشیابی هنرمندان، و نویسندگان و شاعران کشور)، مدیر گروه هنرهای نمایشی دانشکده هنرهای زیبا و دانشگاه تهران نام برسد و از فعالیت های علمی، فرهنگی و هنری وی به تألیف مقاله های پژوهشی و تألیفاتی چون

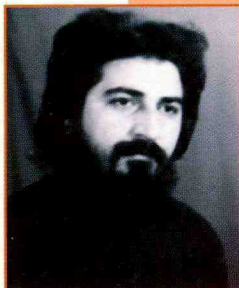




مجید واحدی زاده

تئاتر همچون آینه

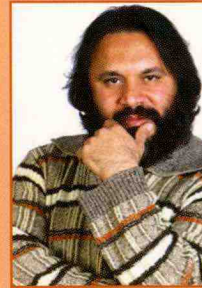
مجید واحدی زاده یکی از ۳۰ چهره‌ای است که قرار است در بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر مورد تقدیر قرار گیرد. او از این بابت بسیار خوشحال است و احساس می‌کند کارهایش به ثمر نشستند. واحدی زاده در جشنواره‌های زیادی برگزیده شده و جایزه گرفته است. مثلاً برگزیده جشنواره بیستم تئاتر فجر نمایش او است. اما این پاسداشت برای او از تمام جوایزی که گرفته شیرین‌تر است. به اعتقاد مجید واحدی زاده تئاتر در همه جوامع مثل آینه است. هیچ کشوری نیست که خالی از تئاتر باشد. وظیفه تئاتر روشنگری، بیانگری و رهنمون دهنده جامعه است. واحدی زاده در کارگردانی نمایش سعی دارد ژانرهای مختلف نمایش ایرانی را بسا هم تلفیق کند و به حماسه توجه خاصی دارد. او با نمایش «سبز، سهراب، سرخ» برگزیده جشنواره «شب‌های سفید» کشور آلمان می‌رود. «اژدها چهرک» که به داستان ضحاک با دیدی نو نگاه می‌کند در آلمان، گرجستان و آذربایجان اجرا و مورد توجه قرار گرفته است. این کارگردان در نویسندگی بیشتر به سمت نمایشنامه‌های دفاع مقدس می‌رود. واحدی زاده به جز یکی، دو کار در تمام نمایش‌هایی که کارگردان آنها بوده بازی هم کرده است. او بیشتر مایل است بازی کند تا کارگردانی.



کوروش زارعی

نکند پیر شده‌ام؟

کوروش زارعی حدود ۱۵ سال است که با گروه نمایشی «آئین» کار می‌کند. همان‌گونه که از نام آئین انتظار می‌رود، عمده فعالیت این گروه در زمینه نمایش آئینی، ملی، مذهبی و اسطوره‌ای است. «آئین» بر استفاده از ادبیات کهن ایرانی در نمایش تأکید دارد و این مسئله برای کوروش زارعی به دغدغه تبدیل شده است. کوروش زارعی نمایش را در سال ۶۴ از مدرسه با تئاتر «پیر غیب» آغاز کرده است. او با بازی در همین نمایش بازیگر برگزیده جشنواره تئاتر دانش آموزی می‌شود و شور و علاقه‌ای در خود می‌بیند که تئاتر را ادامه دهد. زارعی در سال ۶۸ با بازی در نمایش «مرگ در پائیز» به عنوان بازیگر برگزیده جشنواره انتخاب می‌گردد. به اعتقاد کوروش زارعی دنیای بازیگری دنیای کشف و شهود است. بازیگری حرفه‌ای است که انسان را به تعالی می‌رساند. این بازیگر تجربه کارگردانی تئاتر را هم داشته است. زارعی احساسش را از برگزیدگی برای تقدیر در جشنواره بیست و هفتم تئاتر فجر این‌گونه ابراز می‌کند: وقتی دوستان به من اطلاع دادند که قرار است مورد تقدیر واقع شوم با خودم فکر کردم نکند پیر شده‌ام. معمولاً در کشور ما پاسداشت از کسانی صورت می‌گیرد که دارفانی را وداع گفته‌اند یا خیلی پیر شده‌اند و دیگر چندان فعالیت هنری ندارند. اما این مسئله در جشنواره بیست و هفتم بسیار چشمگیر و حرکت‌نویزیابی است. خیلی عالی است که از هنرمندان سه نسل در کنار یکدیگر تقدیر می‌شود.



نادر برهانی مرند

تئاتر انتخاب اول زندگی من است

تئاتر انتخاب اول زندگی من است. قسم می‌خورم به شرافت و قداست صحنه که در زندگی برایم هیچ چیز مهم‌تر از تئاتر نبوده است و امیدوارم از این به بعد هم نباشد. تئاتر در خصوصی‌ترین و خلوت‌ترین بخش‌های زندگی من رسوخ کرده. همسر هم تئاتری است و من شب و روز با تئاتر زندگی می‌کنم. این‌گونه است که نادر برهانی مرند حالا با چهره‌ای خاص در تئاتر ایران شناخته می‌شود. آرزوی او این است که تئاتر به جایگاهی برسد که در قیاس با مادیوم‌های دیگر مثل سینما و تلویزیون از امکانات مالی بیشتری بهره‌برد و در واقع تئاتری‌ها مجبور نباشند برای پاسخ دادن به روزمرگی شان صحنه را تعطیل کنند و به کارهایی که احیاناً دوست ندارند بپردازند. نادر برهانی مرند یکی از چهره‌هایی است که قرار است در بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر مورد تقدیر قرار گیرد. او این پاسداشت را مربوط به تمام کسانی می‌داند که در طول این سال‌ها با تمام مشکلات ساختند و شمع کم فروغ تئاتر را روشن نگه داشتند.



اصغر خلیلی

مأمنی برای آرامش

پرند همر قدرم هر که اوج بگیرد در نهایت باید به آشیانه برگردد و آرام گیرد. این را اصغر خلیلی می‌گوید و حالا که پس از سال‌ها کار تئاتر قرار است در بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر مورد تقدیر قرار گیرد صمیمانه از همسرش «شیوا مکی‌نیان» تشکر می‌کند و دلیل این را که با خیال راحت کار تئاتر را ادامه می‌دهد و در این زمینه اعتبار پیدا کرده، حضور و حمایت همسرش می‌داند. یکی از دغدغه‌های اصغر خلیلی ایجاد تحول در دیدگاه تماشاگران خارجی تئاتر ایران است. او از این دغدغه می‌گوید: من برنامه‌های زیادی در خارج از کشور داشته‌ام. در آنجایی بینم که تصور تماشاگران غیر ایرانی از تئاتر ایران چیز دیگری است. من در درجه اول می‌خواهم تماشاگران بومی و ایرانی تئاتر را حفظ کنم. و در درجه دوم می‌خواهم تئاتر ایران را آن‌گونه که هست به کشورهای دیگر معرفی نمایم. حتی ابتدایی‌ترین تماشاگران برای خلیلی اهمیت زیادی دارند. این نویسندگان کارگردان و طراح صحنه از این که مورد تقدیر قرار می‌گیرد بسیار خوشحال است. چرا که احساس می‌کند جایگاه هنری‌اش را پیدا کرده و این مسئولیتش را برای کارهای آینده بیشتر می‌کند.





آئین ها و سنن ملل مسلمان جزو جذابیت های تماشایی تئاتر است. گروه نمایش البوگا که در سال ۱۹۸۹ تأسیس شده است طی سالیان گذشته با اجرای نمایش های سنتی و آئینی در کشورهای مختلف حضور یافته، تا تحلیل یک کشور اسلامی - آفریقایی را در گوشه گوشه جهان به نمایش بگذارد. نمایش آزمون سنار کاری از علی محمد نور یکی از نمایش های حاضر در بخش تئاتر ملل کشورهای اسلامی است. درباره این نمایش با یکی از بازیگران این نمایش عواد حسن الامام گفت و گو کرده ایم.

درباره نمایش چه نکاتی وجود دارد که باید بدانیم.

این نمایش یک نمایش برگرفته از آئین ها و سنن ملت سودان است که در قالب رقص، آواز و حرکت های فرمیک برای مخاطبان اجرا می کنیم. چند سالی هست که این نمایش به این شکل برای تماشاگران کشورهای گوناگون به اجرا در می آید.

پس یک داستان مشخص ندارد؟

خیر. حتی یک دیالوگ هم ندارد. نمایش بر پایه رقص های محلی آوازهای سنتی سودانی اجرا می شود. قصه ای نداردیم. اما آنچه به اجرا در می آید تقریباً همان چیزی است که مردمان سودان در شبانه روز انجام می دهند، که ما تلاش کردیم در بستری فانتزی و معقول این نمایش را به اجرا بگذاریم.

از چه ابزار برای اجرای این نمایش استفاده کرده اید؟

ما از پارچه های رنگی، ادوات موسیقایی و وسایل ساده بهره بردیم و به تریبی که مفاهیم کلی این نمایش به مخاطب انتقال پیدا کند پیچیده عمل نکردیم که درگیر نشانه ها شویم.

چطور به جشنواره فجر دعوت شدید؟

دعوت نامه ای از سوی جشنواره دریافت کردیم که در این جشنواره شرکت کنیم، با ارسال فیلم کار به جشنواره شرایط حضورمان فراهم شد. البته باید بگویم که این اولین حضورمان در ایران است و به نوعی می توان آن را به فال نیک گرفت.

گفت و گو با عواد حسن الامام

سودان را تماشا کنید

مهدی عزیزی

آنچه در بطن نمایش شما جاری و بر مخاطب اثر گذار خواهد بود، چیست؟

ما با این نمایش در صدد برقراری ارتباطی پویا با مردمان کشورهای دیگر هستیم یا سنت های کشورهایمان را به نوعی صادر کرده باشیم. اینکه مردمان کشورهای گوناگون بدانند سودانی ها چگونه لباس می پوشند، چگونه آشپزی می کنند و یا حتی در میدان جنگ حاضر می شوند با یک پل فرهنگی میان اسلامیت و آفریقایی بودنمان در این نمایش ایجاد کردیم تا دیگران بدانند، از چه جایگاهی در عرصه ملی برخورداریم؟ ضمن این که تنها از یک تمپو و ساز آفریقایی بهره بردیم و باقی چیزها کاملاً ملی است و این ملی گرایی ملی است که باید مورد توجه سایر مردم قرار گیرد.

در نهایت با تمام مسائلی که درباره سودان در رسانه ها علیه

کشور شما وجود دارد، دوست داریم بدانیم در نمایش

به نوعی تلاش کرده اید، این مسائل رانفی کنید؟

دقیقاً همینطور است. اولاً باید بگویم این تبلیغات

رسانه هایی است که ما رانفی می کنند. ماهیت ما

رانفی می کنند. این جنگ جنگ رسانه ای

علیه ماست - آنها کشور ما را دچار بحران

و جنگ زده معرفی می کنند تا خودشان

بهره ببرند. کاری که رسانه های امریکایی

با ما می کنند همان کاری است که نسبت

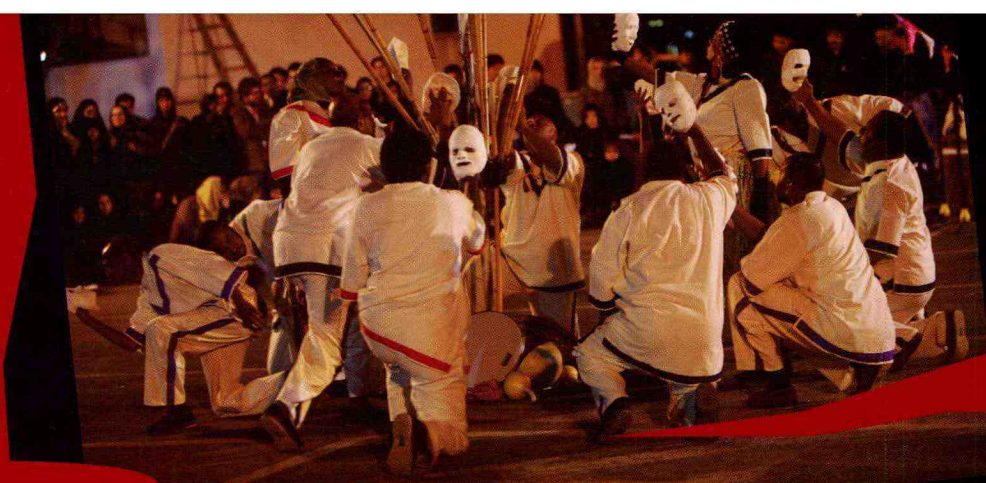
به سایر کشورهای مستقل می کنند. به

نوعی ما هم می خواهیم با اجرای این

کار در آسیا، اروپا و آفریقا این جمله

را خنثی کنیم.





تماشاگران با بازیگران به حرکت در می‌آیند. و این شروع در نوع خود جذاب و ناگهانی است. ما در تئاتر «آزمون سنار» به کارگردانی علی مهدی بادو تصویر و تصور دیداری روبه‌رویم. اول این که صحنه باز و میدانی را تقریباً محصور شده می‌بینیم؛ دو طناب به صورت ضربدری با پرچم‌های کوچک از روی یک تیرک در مرکز میدان می‌گذرند. تماشاگران در چهار ضلع فضا ایستاده‌اند و تصور کلی فضا شبیه یک آلاچیق بزرگ است؛ آلاچیقی که در هر حال در ذهن ما با تصور آسمان در هم می‌آویزد. با این حال، عمق و میزانشن صحنه همان نقطه مرکزی است که تیرک در آن واقع است. حرکات بازیگران هم در نهایت به مرکز فضا ختم می‌شود. آنها وقتی در کل میدان پراکنده می‌شوند، برشی‌هایی تاریخی و آئینی را به تصویر می‌کشند. این برش‌ها ادوار تاریخی هستند. بنابراین در حرکات آنها، دوره‌های زراعت، ماهیگیری و دوران مدنیت شکل می‌گیرد. از سوی دیگر کلیت این کار ساختاری موسیقایی دارد. حتی گاهی هم که موسیقی از جریان روایت کنار می‌رود، حرکات موسیقایی است. چیدمان بازیگران و هندسه حرکات آنها ریتمی سریع و هارمونیک دارد. نمایش خیابانی «آزمون سنار» هر چند کاری قوی یا مبهوت‌کننده نیست، اما نمایشی شریف است. همانطور که بازیگرانش صمیمیت عوامل تولیدی این کار تا جایی است که بازیگران انگار بازی نمی‌کنند. مثلاً بازیگری در یک گوشه با تماشاگر سر صحبت را باز می‌کند و بازیگری همراه با تماشاگر دیگری در وسط صحنه می‌آید و می‌رود!

تئاتر سودان چگونه است. این نخستین پرسشی است که هر مخاطب ایرانی را راهی دیدن نمایشی با عنوان «آزمون سنار» اثر علی مهدی از کشور سودان می‌کند. اما با این حال تئاتر سودان چندان غریب هم نمی‌نماید. گویا تمدن قدیمی آفریقا رمز و رازهایی دارد که نزد ما اگر هم آشنا نباشند، تاویل پذیرند. بدیل‌های فرهنگی و هنری دارند و می‌توان دقیقی کنج ناخودآگاه خود را کاوید تا همان مفهوم را یافت. نمایش خیابانی «آزمون سنار» بیش از آن که هویت تئاتری محض داشته باشد، هویت آئینی دارد؛ منتهی این هویت آئینی همچون بافتی دراماتیک عمل می‌کند؛ طوری که محتوا و تکنیک را در هم می‌تند و روایتی التقاطی و در عین حال چندسویه ارائه می‌دهد. در نمایش «آزمون سنار» زندگی هست، تاریخ وجود دارد و جامعه نمود پیدا می‌کند. با این حال آنچه که به عنوان تاریخ به پرداخت دراماتیک در می‌آید، تفسیری دورانی ندارد. به تعبیری تاریخ به منزله جبر نیست؛ بلکه به منزله حرکت است. آن‌هم نه حرکتی خطی و افقی بلکه حرکتی که در فواصل آن تنفس‌های زیادی هست. از این رو نمایش بشدت شاد است. بازیگران در کل رویکرد زیادی به بازی طنز دارند. این طنز در نوعی انعطاف سبک بازی و در کل گفت‌وگو کارگردانی ریشه دارد. آغاز نمایش با حرکت بازیگران به سوی تماشاگر صورت می‌گیرد. بازیگران با فضا بشدت راحت هستند. آنها هر کدام دست تماشاگری را می‌گیرند و به وسط صحنه می‌برند. تعامل آنها با تماشاگر طوری است که به راحتی حرکات، فرم و میزانشن‌های آنان را در می‌یابد. بنابراین

نگاهی به نمایش آزمون سنار نوشته و کار علی مهدی

تئاتر آفریقای گرم

امید بی نیاز

تئاتر آفریقا



نگاهی به نمایش آمادئوس موتسارت به کارگردانی منیژه محامدی آهای آمادئوس بیچاره

مهدی عزیزی

در روح نمایش های محامدی جاری است. حتی در بازی محمد اسکندری که اینجا یک آدم و حتی موسیقیدان است با پنج اثر قبل تر از محامدی کم ترین تغییری نمی توان دید. شاید تنها تفاوت، بالا رفتن سن و سال این بازیگر باشد. به هر حال مهم ترین فاکتوری که می توان به آن اشاره کرد و آن را نکته قابل اهمیتی در این نمایش بر شمرد. بازی یک بازیگر متفاوت و از جنسی متفاوت در این نمایش است. ارژنگ امیرفضلی بازیگر طنز سینما و تلویزیون و قبل تر از آنها تئاتر در این نمایش سعی می کند شیرینی اش را به نمایش محامدی تزریق کند تا شاید، پیوستن او به این اثر قالب های کلیشه شده نمایش شکسته شود. آنچه این نمایش به مخاطبش هدیه می کند آشنا شدن آنها با زندگی آمادئوس موتسارت است که در یک روایت غیر خطی برای مخاطب نقل می شود. در حالی که روایت آنقدر در پس بازی های اغراق شده و به قول معروف درشت پنهان شده که بازی سازان نمایش تماشاگر را مقهور بازی خود می کنند تا نمایش. تالار اصلی تئاتر شهر قرار است از هفته آینده، میزبان نمایشی باشد که از روایتی توانا و ناتوان در عین واحد و در یک زمان بر خوردار است. نمایشی که روایت هنرمندی است دو قرن بعد از زندگی هنرمندی که جهان پس از خود را تحت تأثیر قرار داد. موسیقی را متحول کرد و پایه گذار بدعتی نو در آموزش و پرورش استعدادها و نوآوران عرصه موسیقی شد. بهر تقدیر «آمادئوس موتسارت» با دکور متفاوتش که یک پیاثوری بزرگ است و سطحی سپید و روح پرور دارد نمایشی شبیه به تمام نمایش هایی است که طی سال ها کارگردانی و تحقیق و نوشتن منیژه محامدی آن را به اجرا در آورده است و از این حیث قابل احترام است و پس.

زمانی که نمایش آغاز می شود، دو نمایش، یکی در مقابل چشمانمان و دیگری پشت سرمان در حال اجراست. اولی نمایش جدید منیژه محامدی است و آن دیگری بیچ تماشاگران یا داد و بیداد پشت در مانده ها و درگیری های خارج از سالن. قدری فهمیدن دیالوگ های نمایش در شروع بر ایمن دشوار بود. با این همه، نمایش با یک همهمه آغاز شد و سپس با مونولوگ مهوش افشارپناه ستاره غالب نمایش های محامدی نمایش ادامه یافت. بارزترین نکته ای که در راستای این به چشم می خورد. پرداختن به شخصیت یکی از شهرت ترین شخصیت های موسیقی جهان است. شخصیتی که زندگی بسیار پر افت و خیزی را همانند سایر شخصیت هایی نظیر خودش پشت سر گذاشت. اما این پرداخت وقتی از سوی شخصی چون منیژه محامدی صورت می گیرد قدری قابل تأمل تر می شود. تئاتر ما چهره های بسیاری دارد که صاحب ژانر اند و در عین حال سوپرمن هم هستند. پری صابری در اقتباس و اجرا از آثار ادبیات کهن، منیژه محامدی در اجرای نمایش های خارجی و بسیاری دیگر. آمادئوس موتسارت یک طراحی کاملاً در خدمت اثر دارد. یک فضای سفید و وهم آلود. بازیگرانی دارد توانا با این تفاوت که هر یک در قالب هایی خارج از یک اثر با شناسه های اجرایی که محامدی می خواهد. آنچه در این نمایش پیش رو است، بی شک شبیه به باقی آثاری است که از منیژه محامدی طی سالیان گذشته دیده ایم؛ کوری، آن سوی پل، سووشون. به اعتقاد نگارنده جملگی این نمایش ها شبیه هم اند. همگی به یک شکل و شیوه شروع می شوند و به یک شکل و شیوه به پایان می رسند وهم و خیال، مرده و بی روح. منقبض و بسته. همگی این صفات





می‌باشد و آدم‌ها (بازیگران) از دل دیوار فرو ریخته پایه صحنه می‌گذارند تا رو در رو با تماشاگران شوند. پایان نشانه‌ای از آزادی است که همیشه از آن دوری می‌شده است یا آدم‌های جاه طلب و دیکتاتورمنش مانع از تحقق آن شده‌اند. دیوارها در این نمایش ربطی به فیلم دیوار ندارد فقط از آن موسیقی بهره می‌برد تا تصویر دلخواش را بروز دهد. دیوارها بانی انزوا و تنهایی‌اند و بین آدم‌ها گسست عاطفی ایجاد می‌کنند. حتی دیوارها مانع از رابطه عاشقانه یک زوج می‌شود و به هیچکس مجال نمی‌دهد که با دیگری باشد. تجربه‌ای که آدم‌های بلوک شرق از جمله گرجی‌ها به راحتی وجود آن را در اتحاد جماهیر شوروی درک کرده‌اند و تجربه‌ای زجرآور که هنوز هم وجود آن در همه جا احساس می‌شود. دیوارهایی که هنوز هم در چهار گوشه دنیا بانی اختلاف و تفرقه و جنگ و جدال بین ملت‌ها و قومیت‌های مختلف می‌شود. دیوارهایی که در روابط فردی و اجتماعی آدم‌ها احساس می‌شود که از ایجاد بار عاطفی و احساسی بین آدم‌ها جلوگیری می‌کند. دیوارهایی که تا هست باعث دردسر و جدایی است و آدم‌ها باید آنها را از پیش پای خود بردارند تا بتوانند آزادانه تر با دیگران در ارتباط باشند. حالا عروسک‌ها و یک دیوار چنین جریان‌ی را به تصویر می‌کشند و موسیقی در زیر متن حضور پررنگ دارد تا احساس تصاویر پررنگ تر جلوه‌گری کند و دامنه تأثیر بیشتر شود. خواه ناخواه همسویی موسیقی و تصویر که کلمه را به کنار می‌زند، راه رضایت بخش تری برای ارتباط با مخاطب است؛ به ویژه زمانی که مخاطب دارای زبانی غیر از زبان اجرا باشد، آن وقت تصویر گویاترین زبان ممکن برای برقراری ارتباط تلقی می‌شود. دیوار با حضور انگشتان و نقاب‌های متنوع و آجرهای ابری و بهره‌مندی دراماتیک از موسیقی به بهترین ارتباط و تأثیر می‌رسد. البته در دل دیوار نوعی اپرا یا ناتر موزیکال قرار دارد که هر کارگردان خلاق را به این سو سو می‌دهد که بر اساس آن نمایشی را به صحنه بیاورد. حالا در گروه انگشتان گرجستان شیوه عروسکی برای این منظور انتخاب شده است که با کمترین عوامل به بیشترین تأثیر می‌رسد.

نمایش دیوار بر اساس موسیقی **the wall** اثر گروه پینک فلوید است که با موسیقی راجر واترز در سال ۱۹۷۹ تولید شده است. این اثر آن قدر تأثیر گذار است که بر اساس آن فیلم مشهوری هم ساخته شده است. حالا یک گروه نمایشی از گرجستان این موسیقی را بستر تولید یک اجرای عروسکی کرده‌اند که در آن هنر نمایشی انگشتان غالب بر دیگر عناصر نمایشی است. موسیقی بافتی موزیکال را بر بدنه نمایش تزریق می‌کند. پس ضرباهنگ دقیق و ظریفی بر نمایش حکمرانی می‌کند البته گروه نمایشی نیز بر آن است تا با ایجاد یک فضای فانتزی آنچه از موسیقی درک و احساس می‌شود، در صحنه بروز پیدا کند. در ابتدا یک دیوار را می‌بینیم که به کمک چند پروژکتور کوچک نصب شده بر یک غلاف فلزی بر دیوار نور داده می‌شود و با جریان یافتن موسیقی دیوار نیز به لرزه در می‌آید تا با اوج گرفتن موسیقی راک دیوار نیز به لحظه انفجاری نزدیک می‌شود. با انفجار دیوار سه نوزاد (عروسک) با دست و پای کنده شده آویزان بر چهار چوب صحنه دیده می‌شوند. سه چهره نیز در این قاب دیده می‌شود که رفته رفته خود را محو می‌کنند تا فقط با انگشتان‌شان هنر نمایشی کنند. آنها بدن عروسک‌ها را تکه تکه می‌کنند و از قاب بر کف صحنه می‌ریزند. حالا نوبت به آدمک‌هایی است که در صحنه با انگشتان تداعی می‌شوند. آنها حس و حال موجود در دقایق نمایش را بنا بر حرکات تعریف شده برای آنها به نمایش می‌گذارند. انگشتان تبدیل به آدمک یا حیوانات وحشی یا آدم‌های حیوان نما یا یک دیکتاتور می‌شوند. در یک تابلو هم دو بازیگر با تن خود در قاب دراز می‌کشند تا بر دست و دهانشان میله‌های باتومی بخورد و آنها نیز کار کردی عروسکی پیدا کنند. این لحظات بیانگر آن است که آدم‌ها زمانی که تن به شرایط می‌دهند ناخواسته تبدیل به عروسک‌هایی می‌شوند که زورمداران باتوم آنها را به دست گرفته و به دلخواه حرکاتشان می‌دهند. دیوارها حضور چندین باره در نمایش دارند. مدام دیوارهای کوچک و بزرگ ساخته می‌شوند و فرو می‌باشند. حتی در پایان یکبار دیگر شاهد ساختن کامل دیوار هستیم که توسط مجوعه‌ای از انگشتان برای همیشه فرو

نگاهی به نمایش دیوار کاربشیک کوبریشویلی از گرجستان

هنر نمایشی انگشتان

رضا آشفته

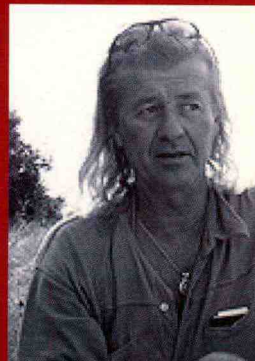
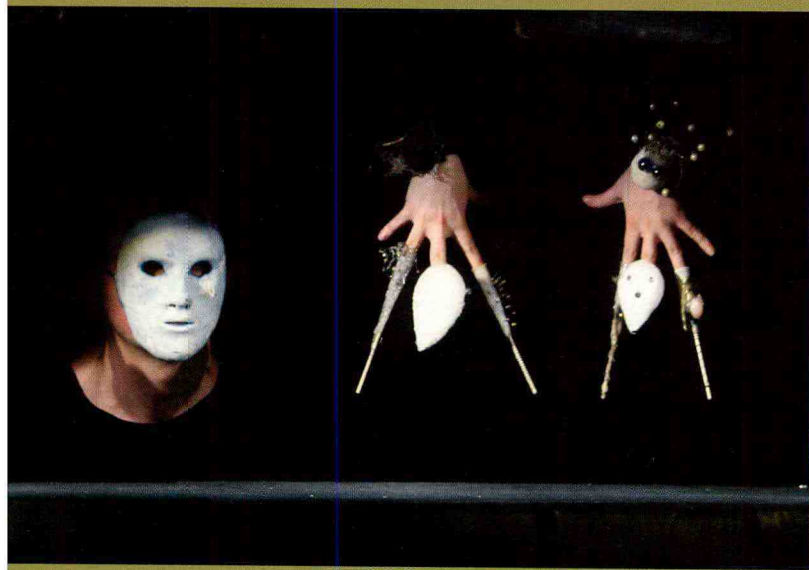
مسابقه بین‌الملل

worked with this method and who had invented it?

About 10 years ago Besik Kupreishvili the director who was also an actor conceived of performing a play without using a complete figure of an actor. Finally he focused on fingers as elements of movement which can simply perform an entire play. Kupreishvili invented this experimental and new form and began to perform without dialogues but with music accompaniment. As a matter of fact he found the secret of human's fingers.

Correction:

Due to some technical problems resulted from time constraints, in the yesterday issue of our daily bulletin the photos of French play, "Imaginary invalid" was mistakenly replaced with those of Georgian play, "The Wall" and its director! We regret the error and apologize the French troupe.



روزنامه بیست و هفتمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر
شماره نهم، پنجشنبه، دهم بهمن ماه ۱۳۸۷

An Interview with Levan Khetaguri, the Head of Fingers Theater Company from Georgia

Secret of Fingers

After the collapse of Soviet Union, Georgian theater turned into an innovative and at the same time original theater. Of course even before that, compared to other states of that union it was felt that Georgian theater was more independent. The participation of the play, "The Wall" at the competition section of the 27th Fadjr International Theater Festival provided an occasion to have an interview with the members of the company. The head of Fingers, Dr. Levan Khetaguri is also the speaker of this troupe. He is the professor of Shota Rustaveli Theatre and Film University in Tbilisi, Georgia. Also the director of our company, Besik Kupreishvili attended the session and at times participated at our discussion.

What are the differences between Georgian theater and Russian theater?

At first I should mention that we have nothing as Russian theater. Whatever you mean is a European theater which Georgian theater is considered a part of it. As a matter of fact, European theater is the one whose sources come from the theater of ancient Greece. But in terms of theater education, Russia and Georgia follow the same practice and have similar schools, however the method of their performances and rhythms of their works are quite different and independent.

Actually Georgian theater originates from our cultural sources, national and native customs. The most impor-

tant elements of these rituals and customs are movements, songs and dances. Such traditional and national origins have influenced Georgian theater.

In terms of education I can definitely assert that Georgian theater has been one of the most pioneering theaters of the last century. Even in the worst conditions, during 70 years of communist dictatorship in Soviet Union those plays and subject matters which were regarded as taboo were put on the stages of Georgia.

Is "The Wall" which has participated at the International Competition Section of Fadjr Theater Festival *based on traditional Georgian theater or has an innovative approach?*

This play is performed by fingers on the table. It is based on album "The Wall" by Pink Floyd and the film directed by Alan Parker. We have used the film technique of stop motion to narrate the disagreements between generations. A romance has also been added to the plot which ends to a tragic event.

How many years have you



روزنامه بیست و هفتمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر
شماره نهم، پنجشنبه، دهم بهمن ماه ۱۳۸۷

Theater Must Be Living

The Azerbaijani theater director, Jannat Salimmava described theater in her country through a text read by her translator Atabak Naderi: "More than 32 governmental theater companies are working in Azerbaijan. Among them 11 companies are based in Baku and the others are working in another cities including Ganja, Nakhichevan, etc. also more than 50 nongovernmental theater companies are operating in Azerbaijan. Our theater is realistic and psychological which would be introduced in an article by Ms. Salimava."

In her turn, Salimava noted: "The prominent British theater director, Peter Brook has divided theater in two 'living' and 'dead'. The living theater is considerable in terms of the audience response and the relation between actor and viewer. But it doesn't mean that it should be necessarily combined with a beautiful or magnificent scene and customs. In these plays if the actor or actress does not spend energy, he/she will not influence the audience."

Salimava added: "Mr. Brook has said that I was taken to a remote village to see Iranian traditional passion play, Ta'zyeh where people were watching so emotionally. The play had no set and lighting but influence was so much that people even burst to their tears. In return it was supposed to perform to play at a festival in Isfahan. With the same actors, the play was staged in Isfahan with magnificent setting and costumes but everything was dead. That's the difference between living and dead theater."

At the end of the session, Ms. Cynthia from US presented her research on Arabic theater through a lecture.

It's notable that this edition of the 27th Fajr International Theater Festival features a section titled Islamic Nations Theater where a number of plays from some Islamic countries including Sudan, Afghanistan, Azerbaijan and Iraq have been participated.

They include "Sinnar Crucible" directed by Ali Mahdi from Sudan,

"Waiting for Godot" directed by Jannat Salimmava from Azerbaijan

"Crying of My Mother" directed by Muhand Rashid from Iraq

"Buddhist Little Girl" directed by Hadi Mojtaba'ei from Afghanistan

